



برگی از گذشته

گفتگو با معز دیوان فکری

لاله تقیان



مدرسه سن لوئی ضمن خواندن ادبیات فرانسه با نمایشنامه نویسان فرانسه مثل کرتی، راسین و مولیر آشنا شده بودم و در سال ۱۲۹۵ زیر نظر مرحوم نصر آغاز به کار تئاتر کردم و یکسال بعد در نمایشنامه‌ای بنام «رستاخیز سلاطین ایران» اثر «میرزاده عشقی» بازی کردم. نقش من در این نمایش، دختر کسری بود و مرحوم پایگان هم نقش شیرین عروس کسری را بازی می‌کرد. به این ترتیب مدتی مرا دعوت کرد تا نقش مقابل او را در «دکتر ریاضی‌دان» بازی کنم و بعد هم مرحوم رضا کمال شهزاد که نمایشنامه‌ای بنام «پریچهر» و «پریزاد» نوشته بود و از دوران مدرسه با من دوست مرا به همکاری دعوت کرد. این نمایش بسیار موفق بود، چرا که از نخستین نمایشنامه‌هایی بود که زنان، البته زنان ارمنه در آن شرکت کردند.

— در این زمان اغلب نمایش‌هایی که اجرا می‌شد بصورت اپرت بود، آیا شما هم آثار نمایشی را به این شیوه اجرا می‌کردید؟

فکری — در آن موقع دسته‌هایی از قفقاز می‌آمدند و اپرت‌هایی اجرا می‌کردند، مثل آرشین مالالان که مردم اشتیاق زیادی به آنها داشتند. بنابراین ما هم شروع کردیم به ساختن اپرت. آهنگها را خودمان می‌ساختیم و شعرها را رضا کمال شهزاد می‌گفت. بعد از مدتی ارباب افلاطون شاهرخ خواست تئاتر دائمی درست کند و من و خیرخواه و خانم لر تا و حسن شمس را به همکاری دعوت کرد.

— این نخستین تئاتر دائمی تهران در کجا و چگونه تشکیل شد، و همکاری شما با این تئاتر تا تشکیل تماشاخانه دائمی تهران ادامه داشت؟

فکری — تئاتر دائمی ما اول بار در خانه خانم گوهر خاکپور تشکیل شد، تئاتری که چند سال برپا بود و بعد آنرا به گراند هتل آوردیم. در اینجا جمعیت زیادی به تماشای برنامه‌های ما می‌آمد و ما ناچار بودیم هر هفته برنامه تازه‌ای به صحنه ببریم، البته قیمت بلیط حداکثر پنج تومان بود و ما هم - من و خانم لر تا - حداکثر پولی که از ارباب افلاطون می‌گرفتیم شبی پنج تومان بود. این تئاتر دائمی هم مدتی در گراند هتل برپا بود تا اینکه بالاخره بهم خورد. این زمان پرورش افکار بود و من هم به آن جلب شدم. در این ضمن «پاپازیان» هنرمند شوروی به ایران آمد و ما با او «اتلوه» را اجرا کردیم و کم‌کم جلب شدیم بطرف خانم دولت‌آبادی که کانون پانوان را تأسیس کرده بود و من نمایش‌های کانون را اداره می‌کردم. بعد از چند برنامه کم‌کم پای ما به تئاتر تهران باز شد.

— یکی از مشهورترین کارهای شما در تئاتر اجرای نمایشنامه «رستم و سهراب» است. این نمایش را کجا و چطور اجرا کردید؟

فکری — به یاد دارم که در سال ۱۳۱۲ مرحوم ذکاءالملک فروغی مرا خواست و بمن گفت برنامه‌ای برای تجلیل از فردوسی تهیه کنم. من هم شاهنامه را ورق زدم و رستم و سهراب را استخراج کردم و آن را بصورت نمایشنامه درآوردم. این برنامه در جشن «هنرکده فردوسی»، در سالن نگونی در حضور مستشرقین اجرا شد و به این مناسبت یک مدال مخصوص فردوسی هم دریافت کردم.

— آیا شما با عبدالحسین نوشین و تئاتر سعدی هم همکاری داشتید؟

فکری — بله، با مرحوم نوشین و خیرخواه چند نمایشنامه بازی کردم. نمایشنامه‌هایی مثل «توپاز» که با نام «مردم» به صحنه آمد یا نمایشی به اسم «سرنوشت». حیف که آنها فعالیتهای ما را نیمه‌کاره گذاشتند و رفتند. اما ما ول‌کن نبودیم و دنبال کار را در تماشاخانه تهران که با کمک مرحوم نصر و دهقان تشکیل شده بود گرفتیم.

— در تئاتر تهران شما جز بازی، کارگردانی هم می‌کردید؟

فکری — در تئاتر تهران من برای کارگردانی دعوت شدم، چون در آن موقع آمدن زن‌ها به تئاتر تقریباً آزاد شده بود و به همین دلیل هم در دوره دهقان و نصر فعالیت‌های تئاتر خیلی بیشتر شده بود. در تئاتر تهران ما چهار کارگردان بودیم، من و رفیع حالتی، دریابگی و گرمسیری. کار ما بسیار مشکل بود و باید هفته‌ای یکبار برنامه‌ای را روی صحنه بیاوریم و این برنامه‌ریزی بازیگرانی را که جزو تروپ من بودند، بسیار خسته می‌کرد. تمام روز را تمرین می‌کردیم و شب روی صحنه بازی داشتیم. البته خوشبختانه حقوق ما نسبت به سابق خیلی فرق کرده بود.

— آقای فکری شما نوشتن و ترجمه نمایشنامه را در همین تئاتر تهران شروع کردید؟ چون می‌دانیم بیشتر نمایشنامه‌هایی که شما به صحنه بردید یا نوشته خود شما بود و یا اثری که شما ترجمه کرده بودید؟

فکری — بله، در مدتی که من در تئاتر تهران بودم فرصت و اشتیاقی پیدا کردم برای ترجمه و نوشتن نمایشنامه. نمایشنامه‌هایی که در این مدت من به صحنه بردم حدود چهل نمایش است که مقداری ترجمه است و مقداری هم نتیجه افکار خودم. قتل ابن‌السلام در جهنم - در راه شیطان - هردمبیل - پریوش - ننگ جامعه - شهزاد - خوابهای طلایی و ترجمه‌هایی مثل رسوایی و مدال افتخار از «هانری باتای»، مادام کاملیا از «الکساندر دوما»، زان یاریبلاس اتین و غیره و ...

— اغلب نمایشنامه‌های خارجی که شما به صحنه می‌بردید، بجای ترجمه دقیق

غلامعلی فکری (معز دیوان) را باید یکی از بنیان‌گذاران تئاتر معاصر ایران دانست. فکری از زمانی که نخستین گروه‌های تئاتر در تهران تشکیل می‌شد، فعالیت بسیار جدی را در این حرفه آغاز کرد و طی سالها با وجود دارا بودن مسئولیت‌هایی در بانک ملی که حرفه اصلی او بود در تشکیل تئاترهای دائمی شرکت داشت. فکری در این سالها نه تنها به‌عنوان بازیگر و کارگردان، که به‌عنوان نمایشنامه‌نویس، مترجم و موزیسین نیز در صحنه‌های تئاتر جای خاصی داشته است. او در دوران فعالیت هنری‌اش در زمینه تئاتر موفق به دریافت چهار نشان شده است که به ترتیب عبارتند از: مدال مخصوص فردوسی (۱۳۱۳) نشان علمی (۱۳۱۹)، مدال پرورش افکار و نشان علمی (۱۳۲۵)

— چه عواملی شما را به تئاتر علاقمند کرد و فعالیت هنری خود را چطور شروع کردید؟

فکری — تشویق پدرم بزرگترین عاملی بود که مرا به تئاتر جلب کرد. پدرم معزالممالک فکری ارشاد، روزنامه‌نگار بود، مرد روشنفکر و نویسنده خوبی که چند نمایشنامه نوشته بود و در کمندی ایران با همکاری مرحوم سیدعلی‌خان نصر به صحنه آورده بود. من در

فروشگاه پیام

عرضه کننده مدرنترین سیستمهای صوتی
اتومبیل - با دزدگیر و قفل مرکزی



لوازم جانبی موبایل

خیابان دکتر شریعتی بالاتر از پل سیدخندان مقابل
تعمیرگاه ب ام و تلفن ۸۶۵۷۴۲ ۸۶۲۴۰۳

نشر حفظی

مرکز پخش و نشر انواع

تذهیب

تقدیرنامه

تقویم

برچسب مذهبی

تلفن: ۳۱۱۵۴۵۷

۳۱۳۶۴۶۱

صندوق پستی: ۱۱۱۶

آدرس: تهران - ناصرخسرو - کوچه حاجی نایب

پلاک ۱۱

اقتباس کرده بودید، علت این کار چه بود؟

فکری - علت اصلی این بود که بعضی از نمایشنامه‌های فرنگی را تماشاگر بخوبی درک نمی‌کرد و اقتباس کردن آنها، هم به تماشاگر کمک می‌کرد که نمایشنامه را بهتر بفهمد و هم به ما که راحت‌تر بازی کنیم. نمایشنامه‌هایی مثل ژاله (خانه عروسک ایسن) و عبدالله از ویکتور هوگو، و همینطور آثار زیادی را ما به اقتباس از متون قدیمی اجرا می‌کردیم مثل شهرناز و شاهین، مه‌پاره و دلارا اقتباس از داستانهای هزار و یکشب یا کمدی لیلی و... چنون.

- فعالیت شما در تماشخانه تهران تا کی ادامه داشت؟

فکری - در واقع تئاتر دائمی در تهران از سال ۱۳۰۸ شروع شد. و میان سالهایی که ما فعالیت می‌کردیم، سالهای ۱۳۱۲ تا ۱۳۲۰، حدود هشت، نه سال اوج این فعالیت بود. کار من در اینمدت خیلی زیاد بود. چون به موسیقی هم اشتیاق داشتم و پیش کلنل وزیری تعلیم دیده بودم و ویلن می‌زدم، دوره‌ای که اپرت می‌ساختیم، آهنگها را من می‌ساختم. شعرها را اغلب قدرت منصور می‌گفت.

- در دورانی که شما اپرت به صحنه می‌بردید، آیا همه بازیگران آواز می‌خواندند؟ و اصولاً برای پذیرش بازیگران صدای خوب یکی از شرایط بود؟

فکری - در دوره اپرت بازیگران آواز می‌خواندند. البته بعضی‌ها فقط به دلیل داشتن صدای خوب پذیرفته می‌شدند، ولی تقریباً می‌توان گفت که همه بازیگران توانایی خواندن اپرت را داشتند، من برای ساختن آهنگها پول جداگانه می‌گرفتم. همینطور برای بازی، کارگردانی، نویسندگی یا ترجمه. با وجود این همه درآمد من در ماه حدود ۱۵۰۰ تومان بود و این زمانی بود که من در بانک ملی هم کار می‌کردم. ولی متأسفانه در همین روزها بود که احمد دهقان فوت کرد و بعد از او ما دیگر نتوانستیم دوام بیاوریم و کم‌کم کنار رفتیم.

- بعد از این شما فعالیت تئاتر را رها کردید و چندی بعد به کار سینما پرداختید. چه چیز شما را به سینما کشاند؟

فکری - بله، اول اینکه همکارها کنار رفته بودند و تئاتر دیگر مثل سابق مشتری نداشت، در نتیجه منم دنباله کار را در سینما گرفتم. با خانم شهلا و منجید محسنی کار فیلم را شروع کردم و چند فیلم هم ساختیم، ولی چون سینما هم هنوز رشد نکرده بود، ادامه آن کار بسیار سختی بود. بعد کم‌کم دوره جوانی و فعالیت تمام شد، و از آن بعد در گوشه خانه با نمایشنامه‌ها و کتابهایم زندگی می‌کنم. دو سال و نیم پیش بزرگترین دلخوشی زندگیم را که همسرم بود از دست دادم و بکلی تنها ماندم.

- آیا در این سالها با هنرستان هنرپیشگی هم همکاری داشتید؟

فکری - هنرستان هنرپیشگی در سال ۱۳۲۱ تأسیس شد و سالهای سال کلاس‌های آنرا مرحوم نصر اداره می‌کرد. او در این هنرستان معلمین بسیار خوب و تحصیل کرده فرنگ را دعوت کرده بود، من در این هنرستان معلم سلفژ و موسیقی بودم. نوشین هم مدتی کلاس هنرپیشگی داشت و فعالیت می‌کرد، و جز اینها مدرسه‌ای برای تئاتر وجود نداشت.

- آیا امروز هم به تماشای تئاتر می‌روید؟

فکری - نه، من به دلیل بیماری قادر نیستم مدت طولانی بنشینم، و به همین دلیل از آنچه امروز در تئاترها می‌گذرد، بی‌خبرم. متأسفانه همکاران قدیم هم به دیدار من نمی‌آیند و از آنها هم خبری ندارم.

فراخوان نمایشنامه‌نویسان جوان

اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی مرکز تهران در نظر دارد بمنظور شناسایی و جذب نمایشنامه‌نویسان جوان، اقدام به چاپ اولین مجموعه نمایشنامه‌های انقلاب نماید.

لذا از عموم علاقمندان دعوت بعمل می‌آید نسبت به ارسال آثار نمایشی خود در ۳ نسخه به نشانی تهران، خیابان استاد نجات‌اللهی شمالی، کوچه زبرجد، شماره ۲۵، امور هنری اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی مرکز تهران اقدام نمایند، در ضمن موضوع نمایشنامه‌های ارسالی آزاد است.